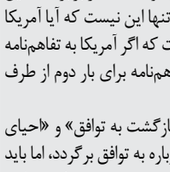

درمکتب امام

دولت بی‌شرافت

دولت آمریکا یک شرافت انسانی مع‌الأسف الان ندارد که ما بخواهیم به واسطه آن شرافت انسانی‌اش با آن رابطه داشته باشیم. دولت آمریکا این است که دارید می‌بینید که مظلوم را در هرجا پیدا می کند پوست می کند. هرجا بتواند می‌رود و بمب سرشان می‌ریزد. هرچه بتواند ذخایر ملت‌ها را می‌برد. ما بخواهیم روابط با این‌ها داشته باشیم؟ بهتر این است که ما با این‌ها روابط نداشته باشیم.

صحیفه امام؛ ج۱۱؛ ص۳۰۳ | قم؛ ۲۶ آذر ۱۳۵۸

مقاله وارده

بازگشت؟ با چه تضمینی؟

دکتر علیرضا معشوری *

اصرار برخی افراد بر بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پرسش مهمی را در مورد سیاست خارجی ایجاد می‌کند. تفاهم‌نامه‌ای که در مدت کوتاهی توسط آمریکا نقض گردید و دچار فروپاشی شد؛ آیا بازگشت به همان تفاهم‌نامه می‌تواند راهی برای پایان دادن به بحران باشد، یا آنکه پیش از هرگونه بازگشت باید درباره علت شکست تفاهم‌نامه قبلی، ضمانت اجرای تعهدات، جبران خسارت‌های واردشده و سازوکار جلوگیری از تکرار نقض توافق کمی تامل کرد؟ این پرسش به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که تجربه برجام پیش روی ما قرار دارد. باید به یاد آورد که بعد از خروج آمریکا از برجام عده‌ای تلاش می‌کردند تا آمریکا را به این توافق بازگردانند، ولی همه این تلاش‌ها بی‌نتیجه بود و حتی رئیس‌جمهور بعدی آمریکا یعنی جو بایدن نیز که در زمان امضای برجام معاون اوباما بود، هرگز به برجام برنگشت. اکنون مسئله این است که حتی در صورت بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه، این بازگشت تحت چه شرایطی می‌تواند از نظر سیاسی و حقوقی با تکرار تجربه گذشته تفاوت داشته باشد.

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد مطابق متن منتشرشده، بیشتر یک توافق برای باز کردن تنگه هرمز بود تا یک تفاهم‌نامه ساده. این تفاهم‌نامه مجموعه‌ای از تعهدات متقابلی را دربر می‌گرفت که شامل پایان فوری عملیات نظامی، خودداری از آغاز جنگ یا عملیات نظامی علیه یکدیگر، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی طرف مقابل، آغاز مذاکرات برای دستیابی به توافق نهائی در حداکثر ۶۰ روز، رفع تدریجی محاصره دریایی، فراهم کردن عبور ایمن کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز، مذاکره درباره آینده اداره خدمات دریایی تنگه، وعده سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی ایران، رفع یا تعلیق بخشی از تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های محدودشده و ایجاد سازوکاری برای نظارت بر اجرای تفاهم‌نامه بود.

واقعیت مهم آن است که همین تفاهم‌نامه نیز نتوانست در برابر نخستین بحران‌های اجرائی دوام بیاورد. مسئله اصلی امروز تنها این نیست که آیا آمریکا حاضر است به تفاهم‌نامه برگردد یا نه. مسئله این است که اگر آمریکا به تفاهم‌نامه برگردد چه چیزی مانع از آن خواهد شد که این تفاهم‌نامه برای بار دوم از طرف آمریکا نقض نشود و فرونپاشد؟

باید میان دو این مفهوم مهم تمایز قائل شد، «بازگشت به توافق» و «احیای اعتبار توافق». ممکن است آمریکا قبول کند که دوباره به توافق برگردد، اما باید توجه داشت که اگر سازوکارهای نظارتی، ضمانت اجرا، هزینه نقض و جبران خسارت مشخص نشده باشد، صرف بازگشت به متن قبلی الزاما مشکل اصلی را حل نمی‌کند. توافق بین دولت‌ها تنها زمانی پایدار می‌شود که طرفین باور داشته باشند که نقض آن برای طرف مقابل و خودشان هزینه قابل توجهی خواهد داشت. زمانی که هزینه نقض پایین و منافع خروج بالا است، هر توافقی می‌تواند بسیار شکننده باشد.

شاید بتوان خلاصه دلایل اصرار بر بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه را در سه مورد توضیح داد. شاید اولین دلیل کاهش فوری تنش باشد. در شرایط جنگی یا رویارویی نظامی، حتی یک توافق موقت و ناقص می‌تواند نسبت به ادامه جنگ مزیت داشته باشد، زیرا توقف حملات فرصت تنفس سیاسی، اقتصادی و نظامی ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی بازگرداندن طرفین به یک چارچوب موجود ممکن است از نظر دیپلماتیک آسان‌تر از طراحی توافقی کاملا جدید باشد. دلیل دوم شاید حفظ چارچوب مذاکره باشد. گاهی یک توافق شکست‌خورده همچنان ارزش سیاسی دارد، زیرا حداقل نشان می‌دهد طرفین در مقطعی توانسته‌اند درباره مجموعه‌ای از اصول به تفاهم برسند. دلیل سوم شاید محاسبه هزینه‌های جایگزین است. دولت‌ها در سیاست خارجی همواره همه گزینه‌های جایگزین را با هم مقایسه می‌کنند. اگر گزینه جایگزین توافق شامل مواردی مانند ادامه جنگ، تحریم، انسداد مسیرهای تجاری یا فشار اقتصادی باشد، توافقی که به نظر ناقص است ممکن است همچنان ارزش مذاکره داشته باشد. این سه مورد شاید دلایلی باشند که بر اساس آن حتی پس از نقض تفاهم‌نامه و خارج شدن آمریکا از آن، باز هم از بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه با همان چارچوب قبلی سخن گفته می‌شود.

اما دقیقا در چنین شرایطی، پرسش مطرح‌شده درباره سیاست بازگشت به تفاهم‌نامه اهمیت پیدا می‌کند. اگر توافق قبلی نقض شده، چرا باید به همان متن برگشت؟ حالا که طرف مقابل تفاهم‌نامه را نقض کرده و بازهم در رسیدن به اهداف نظامی خود شکست خورده و ایران دست برتر را دارد، چرا ایران نباید امتیازات بیشتری بگیرد؟ بازگشت به تفاهم‌نامه تنها زمانی معنا دارد که هم آمریکا امتیاز بیشتری به ایران بدهد و هم سازوکار اجرای آن به صورت اساسی اصلاح شود. اگر همان تعهدات، همان ابهامات و همان فقدان ضمانت اجرا دوباره تکرار شوند، حتما دوباره نقض خواهد شد.

پرسش دیگری که درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد مطرح می‌شود مسئله خسارت‌های پس از امضای این تفاهم‌نامه است. این پرسش از نظر سیاسی و حقوقی بسیار مهم است. اگر توافق قرار بوده که از زمان امضا مانع عملیات نظامی شود، اما پس از آن حملاتی رخ داده، نمی‌توان فقط با یک اعلام بازگشت به تفاهم‌نامه، آن حملات و خسارات بعد از تفاهم‌نامه را نادیده گرفت. ابتدا باید مشخص شود که وضعیت حملات و خسارت‌های انسانی و اقتصادی بعد از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد چیست؟ این یک موضوع فرعی نبوده و به اعتبار هر تفاهم‌نامه‌ای در آینده مربوط می‌شود.

مسئله تنگه هرمز نیز نشان می‌دهد که چرا متن یک تفاهم‌نامه باید تا حد امکان دقیق باشد. در متن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، ایران متعهد به فراهم کردن ترتیبات لازم برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری شده و مقرر شده بود درباره آینده اداره و خدمات دریایی تنگه با عمان و دیگر کشورهای ساحلی گفت‌وگو شود. اما همین بند به یکی از نقاط اختلاف تبدیل شد. عباراتی مانند عبور ایمن، ترتیبات و حقوق حاکمیتی اگر بدون سازوکار اجرائی دقیق نوشته شوند، ممکن است پس از امضای توافق به جای حل اختلاف، خود به منشأ اختلاف تبدیل شوند. از این جهت متن توافق باید تا جای ممکن غیرقابل تفسیر باشد.

مورد دیگری که باید جدی گرفته شود این است که اگر آمریکا به تفاهم‌نامه بازگردد، تنگه هرمز باز شود و پس از کاهش فشار اقتصادی و سیاسی بار دیگر اجرای تعهداتش را متوقف کرده و دوباره حمله کند، چه باید کرد؟ به همین دلیل مشکل اصلی فقدان تفاهم‌نامه نیست و بیشتر فقدان بازدارندگی در برابر نقض تفاهم‌نامه خواهد بود. از این رو اگر دولت قرار است به تفاهم‌نامه برگردد، باید سازوکارهایی را در متن تفاهم‌نامه قرار دهد که نقض تعهد برای آمریکا هزینه داشته باشد.

---

* دکتری روابط بین‌الملل

گزارش روز دویست و سیزدهم جنگ

جنگ با ایران بدتر از باتلاق است
ترامپ قمار بزرگی کرد و شکست خورد

شکاف میان واقعیت شکست آمریکا در میدان و مهمل‌گویی‌های دونالد ترامپ هر روز بیشتر می‌شود.

دیروز در حالی که لفاظی‌های ترامپ ادامه داشت، روزنامه نیویورک‌تایمز تأکید کرد «جنگ علیه ایران آن‌گونه که کاخ سفید و هگست روایت می‌کنند پیش نمی‌رود» و آکسیوس به عنوان شریک عملیات‌های روانی ترامپ اذعان کرد: در اثر وضعیت جنگ، چشم‌انداز انتخابات برای جمهوری‌خواهان از «بد» به «وحشتناک» تغییر کرده است.

در حالی که ترامپ برای چندمین بار وعده می‌دهد و ادعا می‌کند: «ما به‌زودی این جنگ را خواهیم برد، و به محض اینکه پیروز شویم، قیمت نفت کاهش خواهد یافت، به شدت کاهش پیدا می‌کند و به سطحی خواهد رسید که قبل از جنگ داشت»، سایمون هندرسون پژوهشگر مؤسسه واشنگتن به شبکه بی‌بی‌سی گفت: ترامپ دروغ می‌گوید نه ایران تسلیم می‌شود و نه قرار است نفت پایین بیاید!

مارکوس مالوی نویسنده و موزیسین آمریکایی در این‌باره معتقد است: «ترامپ یک بچه ۱۲ ساله‌ی عوضیِ کوچولوئه که توی بدن یک احمقِ ۸۰ ساله گیر افتاده است».

لیزا بادانس فعال رسانه‌ای آمریکایی هم نوشت: ایران هر کاری دلش بخواهد می‌کند؛ نقطه. اصلاً ذره‌ای برایش مهم نیست ترامپ چه می‌گوید یا چه کار می‌کند. ترامپ بهتر است یکبار برای همیشه بزرگ شود، این غرور نحیف و شکننده‌اش را کنار بگذارد و آخرین پیشنهاد ایران را قبول کند.

نشریه اکونومیست به‌تازگی تأکید کرد: برای اولین بار در یک قرن، امنیت غرب آسیا ممکن است از درون خود منطقه سرچشمه بگیرد. عقب‌نشینی آمریکا چه معنایی برای این منطقه دارد؟

در ادامه گزارش روز دویست و سیزدهم جنگ را می‌خوانید:

دهن‌کجی تنگه هرمز و قیمت نفت به ترامپ

در حالی که دیروز قیمت نفت برنت بی‌اعتنا به وعده‌های ترامپ و وزیران خزانه‌داری و انرژی او از ۱۰۷ دلار هم عبور کرد، سینا طوسی عضو ارشد مؤسسه CI Policy (مرکز سیاست بین‌الملل) آمریکا نوشت: از زمان رد پیشنهاد ایران از سوی ترامپ، تهران طی دو شب، حدود ۲۰ شناور را هدف قرار داده است. این اقدام نشان‌دهنده تشدید کارزار ایران برای ایجاد اختلال در تردد و کشتیرانی در تنگه هرمز خواهد بود.

استیو هانکه، استاد اقتصاد دانشگاه جانزهاپکینز در این زمینه گفت: سال گذشته در ۲۵ سپتامبر، ۴۵ نفتکش از تنگه هرمز عبور کردند؛ امسال، در ۲۵ سپتامبر حتی یک نفتکش هم از این تنگه عبور نکرد. به لطف رئیس‌جمهور ترامپ، تنگه هرمز عملاً بسته شده است.

با وجود ادعاها درباره باز بودن تنگه هرمز و خبرهای منتشرشده درباره مذاکرات ایران و آمریکا، بازار نفت هفته را با جهش قیمت آغاز کرد و فاصله میان برنت آتی و نفت فیزیکی به ۱۷ دلار رسید. در حالی که برنت آتی حوالی ۱۰۸ دلار معامله می‌شود، قیمت نفت واقعی در بازار به حدود ۱۲۵ دلار در هر بشکه رسیده است.

اعتراف به تنگناهای نفتی آمریکا

این تحولات در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور متوهم آمریکا در گفت‌وگو با فاکس نیوز به خالی بودن دست کاخ سفید تا سال آینده اذعان کرد و گفت ممنوعیت صادرات گازوئیل را بسیار جدی بررسی می‌کنیم اما ساخت پالایشگاه‌ها حدود یک سال طول می‌کشد؛ ما در حال ساخت پالایشگاه‌ها هستیم، اما این حدود یک سال طول می‌کشد. درباره ممنوعیت صادرات گازوئیل، ما به‌طور بسیار جدی به آن فکر می‌کنیم. این می‌تواند اغلب منجر به کمی افزایش بنزین برای خودروها شود، بنابراین ما به‌طور بسیار جدی به آن نگاه می‌کنیم. ممکن است این کار را انجام دهیم.

اتفاق ناراحت‌کننده برای رئیس اسبق سیا

جان برنان، رئیس پیشین سازمان سیا با انتقاد شدید از ترامپ گفت: برای من ناراحت‌کننده است که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان به مردم جهان دروغ می‌گوید؛ ترامپ با تشویق نتانیاهو خودش را وارد این مخمصه کرد و حالا نمی‌تواند راهی برای بیرون آمدن از آن پیدا کند. ایران تسلیم نخواهد شد و ایرانی‌ها همان‌طور که در جنگ هشت ساله ثابت کردند، حاضرند تا هر زمانی که لازم باشد مقاومت را ادامه دهند.

احمق مثل وزیر خزانه‌داری آمریکا

سرهنگ دنیل دیویس، نظامی بازنشسته آمریکا و تحلیل‌گر مشهور سیاسی در واکنش به ادعای فروپاشی دوهفته‌ای اقتصاد ایران توسط وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: این را ثبت می‌کنم و به خاطر می‌سپارم. دو هفته!... ایران هشت سال جنگ با عراق را پشت سر گذاشت، تمام سال‌های «فشار حداکثری» ترامپ را تحمل کرد و حالا هم هشت ماه است درگیر جنگ است؛ اما بله، قرار است ظرف دو هفته فرو بپاشد! این حرف نشان می‌دهد دولت آمریکا تا چه اندازه از واقعیت‌های موجود فاصله دارد. همان فردی است که از بدهی ۴۰ تریلیون دلاری آمریکا نگران نیست و مدعی است که می‌توانیم بدون هیچ مشکلی با «رشد اقتصادی» از زیر بار این بدهی بیرون بیاییم.»

جمهوری‌خواهان خطاب به ترامپ: جنگ را همین حالا تمام کنید!

روزنامه نیویورک تایمز در یادداشتی تأکید کرد: پنهان‌کاری دولت ترامپ به‌ویژه وزیر جنگ کابینه آمریکا در جنگ علیه ایران و محدودیت‌های شدید رسانه‌ای در ارتش آمریکا با آنچه واشنگتن از این جنگ نشان می‌دهد، در تضاد است. خسارات ناشی از حملات ایران به پایگاه‌های ارتش آمریکا در حوزه خلیج فارس عمدتاً در رسانه‌های آمریکایی به نمایش گذاشته نمی‌شود. این سانسور گسترده و پنهان‌کاری‌های دولت آمریکا و مقامات این کشور باعث خشم سربازان و خانواده‌های آن‌ها شده است. در این جنگ، سطح پنهان‌کاری، فریب و پروپاگاندای آشکار دستیابی به حقیقت را تقریباً غیرممکن کرده است.

نیویورک تایمز همچنین خبر داد: اخیراً برخی جمهوری‌خواهان خطاب به ترامپ درباره جنگ با ایران گفتند «همین حالا تمامش کنید».

این روزنامه نوشت: امروز قیمت نفت در پی نشانه‌هایی از ادامه اختلافات میان ایران و آمریکا در مذاکرات، جهش کرد. بازده اوراق قرضه در ایالات متحده هم در سطوحی نزدیک به بالاترین میزان چند دهه اخیر، باقی ماند.

تغییر چشم‌انداز انتخابات کنگره از «بد» به «وحشتناک»

فرید زکریا تحلیل‌گر و مجری ارشد آمریکایی معتقد است: چیزی که اتفاق افتاده حتی از یک باتلاق هم بدتر است، اگر بخواهم خیلی ساده بگویم، اتفاقی که افتاد این بود که ترامپ قمار بزرگی کرد، اما بدون راهبرد و بدون برنامه‌ای مشخص و خب او در مقابل ایران شکست خورد.

در همین حال رسانه صهیونیستی-آمریکایی آکسیوس دیروز اعتراف کرد: چشم‌انداز انتخابات برای جمهوری‌خواهان از «بد» به «وحشتناک» تغییر کرده است. اوضاع در تمام طول سال برای جمهوری‌خواهان بد به نظر می‌رسید، اما این هفته حس متفاوتی داشت - انگار فضای سیاسی در حال فروپاشی بود، یکی پس از دیگری، داده‌های شوم. نگران‌کننده‌ترین نکته برای حزب جمهوری‌خواه این است که عملاً هیچ شانسی برای پایان جنگ، کاهش تورم، کاهش نرخ بهره، افزایش اعتماد مصرف‌کننده و افزایش خوش‌بینی اقتصادی قبل از انتخابات ۳ نوامبر وجود ندارد. به همین دلیل است که جمهوری‌خواهان نگرانند که جریان‌های زیرزمینی، بسیاری از کاندیداهایی را که زمانی امن تلقی می‌شدند، به خطر بیندازد.

پورتال Race to the White House که در پیش‌بینی‌هایش، بر اساس هزاران بار شبیه‌سازی انتخابات دقت بالایی از خود نشان داده، نتیجه انتخابات آمریکا را چنین پیش‌بینی می‌کند: مجلس نمایندگان: ۸۶ درصد به نفع دموکرات‌ها. مجلس سنا: ۷۰ درصد به نفع دموکرات‌ها.

توجه: هر تحول مهمی(به‌طور مثال رسیدن به توافق) می‌تواند وضعیت را به کلی تغییر دهد.

پیش‌بینی‌ها در بنگاه شرط‌بندی Polymarket (افراد با توجه به اینکه پول وسط می‌گذارد مراقب‌اند بر اساس فکت‌ها نظر بدهند) مجلس نمایندگان: ۹۳ درصد به نفع دموکرات‌ها مجلس سنا: ۶۴ درصد به نفع دموکرات‌ها

فاجعه بی‌سرانجام

مارک کلی سناتور آمریکایی جنگ علیه ایران را یک «فاجعه بی‌سرانجام» توصیف کرد و گفت: ترامپ آمریکا را بدون هدف راهبردی، بدون برنامه، بدون زمان‌بندی و بدون استراتژی خروج وارد جنگ با ایران کرده است؛ وضعیتی که موجب شده در این بحران کاملاً گیر کند و راه پیش و پس نداشته باشد. این درگیری یک «فاجعه و اشتباه محض» بوده است که تاکنون بیش از ۲۰ کشته و بیش از ۸۰۰ مجروح روی دست نیروهای مسلح آمریکا گذاشته است. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان رقم تلفات را بسیار بالاتر از این می‌دانند. با احتساب انهدام تجهیزات نظامی، مهمات مصرف‌شده و هزینه‌های جاری عملیاتی، این جنگ بیش از ۴۰ میلیارد دلار روی دست مالیات‌دهندگان آمریکایی خرج گذاشته است، در حالی که هیچ افق و پایانی برای آن تصور نمی‌شود.

وی افزود: جنگ و تعرفه‌هایی که ترامپ ایجاد کرده و جمهوری‌خواهان در کنگره آمریکا آن را امکان‌پذیر کرده‌اند، واقعاً دارند مردم آمریکا را می‌کشند. مردم دیگر از عهده هزینه‌های زندگی‌شان برنمی‌آیند. وقتی برای سیر کردن فرزندتان با مشکل مواجه هستید، دیگر واقعاً هیچ چیز دیگری اهمیت ندارد. ترامپ ما را وارد جنگی کرد که هزینه‌ها را افزایش داده و جان نیروهای نظامی ما را گرفته است. این ماجرا فاجعه‌بار برای مردم آمریکا هیچ دستاوردی نداشته‌است.

اردک لنگ، ناتوان از تغییر روند جنگ

جان مرشایمر نظریه‌پرداز ارشد آمریکا در بررسی روند جنگ گفت: مسئله این است که آیا ترامپ می‌تواند اوضاع را تغییر دهد یا خیر، درست است؟ استدلال من این است که او نمی‌تواند اوضاع را تغییر دهد. او هیچ استراتژی نظامی قابل‌اجرایی برای وادار کردن ایرانی‌ها به پذیرش شرایطش ندارد. او آن‌قدر درمانده خواهد شد که دست به هر کاری می‌زند. ممکن است این استدلال مطرح شود که تنها ۵ درصد شانس موفقیت برای این کار وجود دارد، اما همین ۵ درصد شانس هم ارزش قمار کردن را دارد، چون ما بسیار درمانده هستیم. اگر دموکرات‌ها هر دو مجلس را کنترل کنند، او به بی‌ارزش‌ترین اردک لنگ تبدیل خواهد شد.

انتشار قطره‌چکانی اصابت کروز به ناو آمریکا

«شبکه ان‌بی‌سی» به نقل از مقامات آمریکایی تأیید کرد: دو هفته پیش، ۸ تن از نیروهای تفنگدار دریایی آمریکا در تنگه هرمز مورد اصابت یک موشک کروز ایرانی قرار گرفتند و به‌شدت زخمی شدند. موشک ایرانی، یک کشتی را هدف قرار داد که سربازان نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در آن حضور داشتند، این حادثه در تنگه هرمز رخ داد.

وب‌گاه «دیفنس سکیوریتی آسیا» پیش از این گزارش داده بود: بررسی تصاویر ماهواره‌ای Sentinel-2 در ماه سپتامبر نشان می‌دهد ناوهای هواپیمابر «جرج واشنگتن» و «جرج اچ. دبلیو. بوش»، ناو «باکسر» و شناورهای پشتیبان آنها دیگر در محدوده‌ای که پیش‌تر در نزدیکی ورودی دریای عمان مشاهده می‌شدند، دیده نشده‌اند. گزارش‌های بعدی، این شناورها را در مناطق دیگری از دریای عرب ثبت کرده‌اند. این جابه‌جایی پس از حمله موشکی ایران در ۵ سپتامبر رخ داده است.

ذخایر موشکی مصرف‌شده به سرعت قابل جایگزینی نیست

روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد: مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا در سال‌های پیش‌رو، علی‌رغم افزایش سرعت تولید، قادر نخواهد بود ذخایر موشکیِ مصرف‌شده در جریان درگیری با ایران را جایگزین و تکمیل کند. شرکت‌های دفاعی برای افزایش تولید موشک شتاب گرفته‌اند؛ اما این اقدام بسیار دیر صورت می‌گیرد. کارخانه‌هایی که نقشی محوری در تجدید ذخایر تسلیحاتی آمریکا دارند، از کمبود سرمایه‌گذاری و قراردادهای نامنظم و بی‌ثبات آسیب دیده‌اند.

لگوهای ایرانی، ترامپ را به چالش می‌کشند

فارین پالیسی با اشاره به یک جنگ رسانه‌ای موفق ایران علیه ترامپ نوشت: لگوهای ایرانی، ماشین تبلیغاتی کوچکی است که به قلب واشنگتن رسید و ایران با لگوهای خود آمریکا را به چالش می‌کشد. اشاره تحقیرآمیز مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، به ویدئوهای لگویی تولیدشده در ایران، ناخواسته همان چیزی را آشکار کرد که این کارزار به‌دنبال آن بود: جلب توجه در بالاترین سطوح سیاسی آمریکا. نخستین ویدئوی وایرال «اخبار انفجاری» در ماه مارس، دونالد ترامپ لگویی را نشان می‌داد که با بارش موشک‌های ایرانی بر یک ناو آمریکایی از خواب می‌پرد؛ کلیپی که ظرف چند روز میلیون‌ها بار دیده شد. این مجموعه را گروهی کوچک در داخل ایران، با تیمی حدوداً ده نفره و تجهیزات مصرفی تولید کرد و طی چند ماه بیش از صد ویدئو را در ایکس، یوتیوب، اینستاگرام و تلگرام منتشر کرد.

اهمیت ماجرا در مقیاس سازمانی آن است: هوش مصنوعی مولد هزینه و زمان تولید را پایین آورده و وظایفی را که پیش‌تر به نویسنده، مترجم، طراح، انیماتور و تیم توزیع جداگانه نیاز داشت، در اختیار یک گروه کوچک قرار داده است. نتیجه، الگویی از تبلیغات است که با نیروی انسانی اندک، محتوای پرحجم، سریع و از نظر فرهنگی متنوع تولید می‌کند. ترامپ و مقام‌های ارشد آمریکایی در مسیری تصاعدی از ابتذال داخلی و فساد اخلاقی تا زوال جسمی و فروپاشی تمدنی تصویر می‌شوند و ارجاع به جفری اپستین، نمادهای ایلومیناتی، تنگه هرمز، برج‌العرب و سامانه‌های موشکی، محتوا را به روایت‌های موجود در جوامع راست‌گرا و ضدساختار غربی پیوند می‌دهند.

فرسایش موفقیت‌آمیز اعتبار ترامپ

فارین پالیسی افزود: هدف، فرسایش اعتماد و تصرف توجه اهمیت بیشتری دارد. قالب الگو نیز مزیت مهمی دارد: جهانی، بی‌خطر و فاقد بار سیاسی ذاتی است و خشونت را در قالب طنز عرضه می‌کند. قدرت این الگو فقط در تولید نیست، بلکه در توزیع شبکه‌ای و قابلیت تکثیر آن است. تعلیق کانال یوتیوب «اخبار انفجاری» در آوریل مانع گردش ویدئوها نشد؛ بازنشرکنندگان، حساب‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک، هواداران و حتی کدهای QR تعبیه‌شده در برخی ویدئوها، مسیر انتشار را زنده نگه داشتند. قالب آن نیز از منبع اولیه جدا شده و کاربران مستقل، کلیپ‌های لگویی مشابه برای نقد سیاست خارجی آمریکا می‌سازند.

مسئله اصلی دیگر یک کانال یا کارزار خاص نیست، بلکه ژانری ارزان، انکارپذیر و قابل‌تکثیر است که می‌تواند با تیمی کوچک به برد رسانه‌ای نزدیک به دستگاه‌های بزرگ برسد. مقابله با آن نیز با حذف یک حساب یا برچسب‌گذاری محتوا پایان نمی‌یابد؛ مسئله در شبکه تقویت‌کنندگان، رابطه عاطفی با مخاطب و چرخ‌های است که در آن دیده‌شدن، نه حقیقت، موتور اصلی اثرگذاری می‌شود.

آمریکا در جنگ با ایران ضربه سنگینی خورد

مهدی فتاپور، تحلیلگر سیاسی ضدانقلاب اذعان کرد: آمریکا در این جنگ ضربه سنگینی خورد و آسیب آن، بیش از همه متوجه خود ترامپ و سیاست خارجی دولت اوست؛ دولت آمریکا در چارچوب رویکرد «اول آمریکا» توانست در عرصه‌های مختلف با بخش‌هایی از جهان وارد تقابل شود و در مواردی نیز اهداف خود را پیش ببرد اما در جنگ با ایران، نتوانست خواسته‌ها و اهداف مورد نظر خود را محقق کند. از سوی دیگر، هم منافع عمومی آمریکا و هم منافع شخصی ترامپ اقتضا می‌کند که این جنگ ادامه پیدا نکند؛ اکنون بیش از گذشته، رویکرد و سیاست آمریکا در جهان زیر سؤال رفته است.

اولیانوف:

آمریکا باید راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه با ایران بیابد

نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی با اشاره به اینکه آمریکا از ۱۹۸۰ منتظر فروپاشی اقتصاد ایران است، گفت: راهی جز مصالحه وجود ندارد.

میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی روز دوشنبه (۶ مهرماه) در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ایالات متحده از سال ۱۹۸۰ در انتظار فروپاشی اقتصاد ایران است. برای آمریکا و کشورهای منطقه خلیج‌فارس و سراسر جهان بهتر خواهد بود اگر واشنگتن سرانجام تصمیم بگیرد روی راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای حل‌وفصل مناقشه با ایران تمرکز کند. هیچ گزینه دیگری کارساز نخواهد بود.»

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران پیش از این اعلام کرده بود که تهران از طریق میانجی‌ها یک طرح هفت‌روزه برای بازگشایی تنگه هرمز به واشنگتن ارائه کرده است. عراقچی روز یکشنبه(۵ مهرماه) اعلام کرد که ایران با وجود رد این پیشنهاد از سوی دونالد ترامپ، همچنان در انتظار پاسخ نهائی آمریکا از طریق میانجی‌هاست.

اتحادیه اروپا از فقدان برنامه روسیه برای جنگ با اروپا ناامید شده است

نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین همچنین اعلام کرد که اظهارات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه درباره اینکه مسکو هیچ قصدی برای جنگ با اروپا ندارد، جنگ‌افروزان اروپایی را دچار ناامیدی کرده است. میخائیل اولیانوف در شبکه ایکس نوشت: «پوتین ظاهراً جنگ‌افروزان اروپایی را ناامید کرد، زمانی که بار دیگر تأکید کرد روسیه نه برنامه‌ای برای حمله به اروپا دارد و نه دلایل موجهی برای چنین اقدامی. مخالفان نتوانستند حتی یک استدلال قانع‌کننده برای رد این اظهارات ارائه کرده و نمی‌دانند چگونه روسیه را تحریک کنند.»

به گزارش تسنیم، رئیس‌جمهور روسیه چند روز قبل در جمع خبرنگاران اعلام کرد که مسکو برای انجام اقدامات نظامی علیه اروپا آماده نمی‌شود و هیچ دلیلی هم برای چنین اقدامی وجود ندارد. وی اظهارات درباره احتمال حمله روسیه به کشورهای اروپایی را تشدید هدفمند اوضاع و اقدامی تحریک‌آمیز خواند.

مراسم بزرگداشت آیت‌الله شبیری زنجانی در حرم حضرت معصومه(س) برگزار شد

مراسم بزرگداشت آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، از مراجع فقید تقلید شیعیان از سوی نهادهای حوزوی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) برگزار شد.

مراسم بزرگداشت آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، از مراجع فقید تقلید شیعیان، از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، جامعه المصطفی العالمیه و جمعی دیگر از نهادهای حوزوی و دینی در صحن امام خمینی(ره) حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) برگزار شد.

به گزارش مهر، آیت‌الله علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه، آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، آیت‌الله سیداحمد خاتمی عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه موقت تهران، جمعی از اعضای مجلس خبرگان رهبری و اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در این مراسم حضور داشتند. این مراسم با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و مداحی همراه بود و حاضران یاد و نام این فقیه عالیقدر را گرامی داشتند.

سفارت ایران: تنگه ترامپ باز است اما تنگه هرمز نه

سفارت جمهوری اسلامی ایران در زیمبابوه به ادعای تکراری مقام‌های آمریکایی درباره باز بودن تنگه هرمز واکنش نشان داد.

حساب ایکس سفارت جمهوری اسلامی ایران در زیمبابوه در واکنش به تکرار ادعای باز بودن تنگه هرمز از سوی ترامپ و مقام‌های دولتش، در پیامی کنایه‌آمیز اعلام کرد «تنگه ترامپ باز است اما تنگه هرمز بسته است».

یکشنبه (۵ مهر) در حالی‌که تنها چند ساعت تا باز شدن بازارهای جهانی باقی بود، مقام‌های ارشد آمریکایی در مصاحبه‌های متوالی با هدف کنترل قیمت نفت، ادعای تکراری باز بودن تنگه هرمز را مطرح کردند.

«اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا با تکرار ادعای ترامپ گفت «ایران می‌گوید اگر توافقی حاصل شود، تنگه هرمز را باز خواهد کرد اما تنگه هرمز باز است».

به گزارش فارس، همزمان با تشدید انتقادهای داخلی و فشار بر دولت ترامپ به دلیل افزایش بهای سوخت و مواد غذایی در آمریکا در پی جنگ با ایران، او که در توهماتش نام تنگه هرمز را به تنگه ترامپ تغییر داده، شنبه با انتشار تصویری ساختگی، بار دیگر این ادعاها را تکرار کرد.

هزینه‌های استراتژیک همراهی ریاض و ابوظبی با محاصره آمریکا علیه ایران

در پی افشای لابی ریاض و ابوظبی برای تداوم محاصره آمریکا علیه ملت ایران، تهران این همدستی را اقدامی خصمانه تلقی کرده و هزینه آن را به متحدان واشنگتن تحمیل می‌کند.

روزنامه وال‌استریت ژورنال گزارش داد که عربستان سعودی و امارات متحده عربی نه تنها از ادامه محاصره دریایی و تحریم‌های آمریکا علیه ایران حمایت می‌کنند، بلکه فعالانه برای حفظ آن لابی می‌کنند. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، به مقامات آمریکایی اعلام کرده است که واشنگتن باید محاصره دریایی علیه ایران را تا زمانی که تهران به امضای توافق جدید وادار شود، ادامه دهد.

مقامات اماراتی نیز با اشاره به تشدید درگیری‌ها، خواستار حفظ فشار حداکثری شده‌اند. این موضع‌گیری در تضاد آشکار با رویکرد ظاهری گذشته این کشورهاست که از مذاکره حمایت کرده و حتی آماده بررسی توافقی بودند که نوعی نقش و نفوذ برای ایران در تنگه هرمز را به رسمیت بشناسد.

جمهوری اسلامی ایران این اقدام ریاض و ابوظبی را به‌عنوان خیانت آشکار به حسن همجواری منطقه‌ای و همراهی با سیاست‌های خصمانه آمریکا تلقی می‌کند.

تهران قطعاً این موضع‌گیری را فراموش نخواهد کرد و در زمان و مکان مناسب، پاسخ متناسب را خواهد داد. این گزارش تحلیلی به بررسی ابعاد این مسئله و اقدامات متقابل ممکن ایران می‌پردازد.

چرا ریاض و ابوظبی تغییر موضع دادند؟

اگرچه این دو کشور عربی متجاوز و متحد رژیم صهیونیستی و آمریکا از ابتدا از اقدام نظامی علیه کشورمان حمایت کرده و سیاست همسویی با تل‌آویو و واشنگتن داشتند، اما در ابتدا تلاش می‌کردند تا آشکارا خود را در برابر ایران قرار ندهند، اما در ماه‌های اخیر عربستان و امارات دشمنی خود با ایران را بیش از پیش عیان کرده‌اند. به گفته رسانه‌های غربی و صهیونیستی، دو عامل اصلی باعث تغییر رویکرد عربستان و امارات شده است. نخست، محاصره نفتی رژیم سعودی که امنیت صادرات نفت این کشور را مستقیماً به خطر انداخته است. دوم، حمایت تهران از تلاش‌های انصارالله یمن در برابر محاصره و تجاوزات رژیم سعودی و محاصره شدن رژیم سعودی توسط یمن در منطقه دریای سرخ.

اما همان‌طور که از پیش مشخص است این استدلال‌ها صرفاً بهانه‌ای برای همراهی با آمریکا و ادامه فشار بر ملت ایران است. در حالی که قطر و عمان مسیر دیپلماسی را دنبال می‌کنند، عربستان و امارات انتخاب کرده‌اند که به ابزار فشار واشنگتن تبدیل شوند. این انتخاب عواقب سنگینی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی ایران فراموش نمی‌کند

جمهوری اسلامی ایران دارای حافظه استراتژیک بلندمدت است. تهران به‌خوبی می‌داند که در طول سال‌های گذشته کدام کشورها در کنار ملت ایران ایستاده‌اند و کدام‌ها با دشمنان ایران همراهی کرده‌اند. موضع‌گیری اخیر ریاض و ابوظبی در حمایت از ادامه محاصره، در پرونده این کشورها ثبت و ضبط خواهد شد. این یک اصل بنیادین در سیاست خارجی ایران است: دوستان را فراموش نمی‌کنیم و دشمنان را نیز از یاد نمی‌بریم. رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که ایران در برابر زورگویی سر خم نخواهد کرد و هر اقدامی که علیه منافع ملی ایران صورت گیرد، با پاسخ قاطع مواجه خواهد شد. همراهی عربستان و امارات با محاصره آمریکا، مصداق بارز تجاوز به امنیت ملی ایران است و تهران قطعاً اقدامات متقابل را در دستور کار قرار خواهد داد.

اقدامات متقابل ممکن ایران

ایران دارای مجموعه‌ای از ابزارهای راهبردی است که در سال‌های اخیر کارآمدی آن‌ها را به اثبات رسانده است. در ادامه، چند اقدام متقابل ممکن که تهران می‌تواند در قبال همراهی ریاض و ابوظبی با محاصره آمریکا به‌کار گیرد، بررسی می‌شود.

سلاح نفتی و کنترل تنگه هرمز

مهم‌ترین برگ برنده ایران، موقعیت جغرافیایی آن در تنگه هرمز است. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، محسن رضایی، به‌صراحت اعلام کرده است که اگر آمریکا به جنگ اقتصادی علیه ایران ادامه دهد، «هیچ نفتی از تنگه هرمز و حتی منطقه خلیج‌فارس صادر نخواهد شد».

ایران با تصویب طرحی، صدور مجوز عبور کشتی‌ها را به‌صورت موردی در دستور کار قرار داده و این سازوکار را به یک اهرم فشار تبدیل کرده است. در صورت تشدید محاصره، ایران می‌تواند با هماهنگی با متحد خود یمن، تنگه باب‌المندب را نیز ببندد و در صورت لزوم، با مین‌گذاری گسترده مجدد، تنگه هرمز را بیش از پیش ناامن کند.

حمله به زیرساخت‌های نفتی عربستان و امارات

ایران بارها هشدار داده است که در صورت ادامه جنگ اقتصادی، زیرساخت‌های نفتی و اقتصادی آمریکا در منطقه را هدف قرار خواهد داد. تهران پیش‌تر تأسیسات آرامکو عربستان، مجتمع نفتی ینبع و خط لوله فجیره امارات را به‌عنوان اهداف تلافی‌جویانه معرفی کرده است.

همچنین پالایشگاه سمرک و مجتمع جبیل عربستان، میدان گازی الحصن امارات و تأسیسات مسعید و راس‌لفان قطر در فهرست اهداف احتمالی قرار داشته‌اند. پیشتر نیز یک منبع آگاه ایرانی هشدار داده است که اگر این تهدیدها عملی شود، طی چند روز قیمت جهانی نفت به بالاترین میزان خود در ازای هر بشکه خواهد رسید. این اقدام ضربه‌ای کاری به اقتصاد جهانی و متحدان آمریکا خواهد بود.

پیامدها برای ریاض و ابوظبی

عربستان و امارات باید بدانند که همراهی با محاصره آمریکا، آن‌ها را به هدف مشروع اقدامات تلافی‌جویانه ایران تبدیل می‌کند. اقتصاد این کشورها به‌شدت به صادرات نفت و امنیت مسیرهای دریایی وابسته است. ادامه اختلال در تنگه هرمز یا توقف کامل رفت و آمد کشتی‌ها در منطقه دریای سرخ، درآمدهای نفتی آن‌ها را به نزدیک‌ترین مقدار به سطح صفر خواهد رساند و سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری و ثبات داخلی آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

عربستان سعودی هم‌اکنون مجبور شده روزانه ۵ میلیون بشکه نفت خود را از طریق خط لوله شرق-غرب به بندر ینبع منتقل کند و از آنجا با دور زدن قاره آفریقا، مسیر خود را طولانی‌تر و پرهزینه‌تر سازد.

این وضعیت در بلندمدت برای ریاض قابل تحمل نیست. امارات نیز با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان در دفاع موشکی، در برابر جنگ فرسایشی نامتقارن آسیب‌پذیر است.

قالیباف:

روابط ایران و چین نمونه تعامل دو تمدن بزرگ آسیایی است

نماینده ویژه ایران در امور چین، با تأکید بر پیشینه تاریخی روابط تهران و پکن، روابط دو کشور را نمونه‌ای از تعامل میان دو تمدن بزرگ آسیایی دانست و بر توسعه همکاری‌های دوجانبه تاکید کرد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین در یادداشتی نوشت: پیوندهای تاریخی میان دو تمدن بزرگ آسیایی، که در مسیر تاریخی جاده ابریشم شکل گرفته است، نه تنها عرصه مبادلات اقتصادی و تجاری، بلکه بستری برای تبادل اندیشه، دانش، فرهنگ و تجربه‌های تمدنی بوده است.

به گزارش مهر متن پیام قالیباف به شرح زیر است:

«روابط ایران و چین، به عنوان دو کشور با پیشینه تمدنی چند هزار ساله، همواره بر پایه احترام متقابل، تعامل سازنده و شناخت عمیق میان ملت‌ها استوار بوده است. پیوندهای تاریخی میان دو تمدن بزرگ آسیایی، که در مسیر تاریخی جاده ابریشم شکل گرفته است، نه تنها عرصه مبادلات اقتصادی و تجاری، بلکه بستری برای تبادل اندیشه، دانش، فرهنگ و تجربه‌های تمدنی بوده است. امروز این میراث مشترک، سرمایه‌ای ارزشمند برای تعمیق روابط میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در عصر جدید محسوب می‌شود.

مایلم در این مناسبت مهم، دهمین سالگرد ارتقای روابط دو کشور به سطح «مشارکت جامع راهبردی» و پنجمین سالگرد امضای برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین را نیز گرامی بدارم. این تحولات مهم نشان‌دهنده اراده سیاسی رهبران دو کشور برای گسترش همکاری‌های بلندمدت و ایجاد چارچوبی پایدار برای توسعه روابط در حوزه‌های مختلف است. ملت ایران پس از جنگ سوم تحمیلی علیه خود، عمق قدرت و مقاومت خود را نشان داد و قطعاً این ایستادگی در روابط ایران با کشورهای دوست تحولی جدید رقم خواهد زد. جمهوری اسلامی ایران امیدوار است که بتواند در چارچوب برنامه همکاری ۲۵ ساله به سازوکارهای دوجانبه‌ای با چین دست یابد که علاوه‌بر تعمیق و سرعت‌بخشی تعاملات امکان استفاده از آن را در شکل‌دهی به نظم جدید منطقه‌ای میسر کند.

بی تردید، نقش مجالس و نهادهای قانون‌گذاری در تحکیم روابط میان ملت‌ها، نقشی اساسی و ماندگار است. در این راستا، مراتب قدردانی و احترام خود را نسبت به حضور معاون کمیته دائمی کنگره ملی خلق چین در مراسم بزرگداشت رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلام می‌دارم.

چنان‌که مستحضرید طی سال‌های گذشته سطح تعاملات و روابط پارلمانی میان مجلس شورای اسلامی ایران و کنگره ملی خلق چین همگام با سطح مشارکت جامع راهبردی دو کشور توسعه نیافته است. شایسته است، تمهیدات لازم برای توسعه و تعمیق این‌گونه از همکاری‌ها اندیشیده شود. پارلمان‌های دو کشور به مثابه یکی از ارکان مهم روابط دوجانبه، می‌توانند زمینه‌ساز افزایش شناخت متقابل، تقویت گفت‌وگوهای سیاسی و حمایت از همکاری‌های اجرائی میان دو کشور را فراهم نمایند و نقش مهمی در ایجاد پشتوانه حقوقی و قانونی برای اجرای توافقات مشترک، تسهیل همکاری‌های اقتصادی، حمایت از تعاملات فرهنگی و علمی و فراهم کردن زمینه‌های جدید برای مشارکت نهادهای مردمی ایفا نمایند. گسترش تبادل هیئت‌های پارلمانی، افزایش همکاری میان کمیسیون‌های تخصصی و توسعه گفت‌وگوهای منظم میان نمایندگان دو کشور، از جمله مسیرهای مهم برای تعمیق روابط تهران و پکن خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران، دستاوردهای بزرگ جمهوری خلق چین در عرصه‌های توسعه اقتصادی، علمی، فناوری و اجتماعی را ارج می‌نهد. تجربه موفق چین در مسیر توسعه ملی، برنامه‌ریزی بلندمدت و ارتقای جایگاه این کشور در عرصه جهانی، نشان‌دهنده اهمیت نقش نهادهای قانون‌گذاری در ایجاد محیط حقوقی و نهادی مناسب برای پیشرفت و توسعه پایدار است. در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، که جهان با چالش‌های پیچیده و تغییرات سریع مواجه است، همکاری میان تمدن‌های بزرگ و جهان جنوب اهمیت ویژه‌ای یافته است. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین می‌توانند از ظرفیت نهادهای قانون‌گذاری خود برای حمایت از چندجانبه‌گرایی، عدالت در روابط بین‌الملل، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت همکاری کشورهای مستقل بهره گیرند.

جمهوری اسلامی ایران معتقد است روابط ایران و چین محدود به همکاری سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه نمونه‌ای از تعامل میان دو تمدن بزرگ آسیایی است که می‌تواند الگویی برای گفت‌وگوی تمدن‌ها، احترام به تفاوت‌ها و همکاری مبتنی بر منافع مشترک باشد».

شهید نصرالله، مقاومت را از یک گروه چریکی، به یک دکترین بازدارنده تبدیل کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین به مناسبت دومین سالروز شهادت شهید نصرالله پیامی صادر کرد که متن کامل آن به شرح زیر است:

دومین سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله عزیز (رضوان الله تعالی علیه)، فرصتی برای یادآوری نام و مرام و کارنامه کسی است که مقاومت را از یک حرکت نامنظم و گروه چریکی، به یک «دکترین بازدارنده» تبدیل کرد. شهید نصرالله در نگاه ما، تنها یک رهبر سیاسی- مذهبی نبود؛ او یک استراتژیست و فرمانده میدانی و جهادی بود که با درک دقیق از ژئوپلیتیک منطقه، حزب‌الله لبنان را به نقطه‌ای رساند که معادلات امنیت رژیم صهیونیستی را به‌طور کامل علیه این رژیم تغییر داد.

سید حسن نصرالله از فرماندهانی بود که میان میدان و مردم، ایمان و سیاست و آرمان و عمل، پیوندی ناگسستنی برقرار و «میدان» را به ابزاری برای تأمین امنیت پایدار تبدیل کرد. در نگاه او، لبنان، ایران، فلسطین و دیگر میدان‌های مقاومت، اجزای جدا از یکدیگر نبودند؛ بلکه هر یک بخشی از یک مسئولیت تاریخی در برابر اشغالگری و تجاوز به شمار می‌آمدند. از همین رو، نام او در حافظه مقاومت تنها با مسئولیت دبیرکلی حزب‌الله گره نخورده است؛ بلکه با سال‌ها ایستادگی، تدبیر و وفاداری به عهدی شناخته می‌شود که تا پای جان بر این عهد باقی ماند.

دشمن تصور می‌کرد با حذف فرمانده، مقاومت متوقف می‌شود؛ اما غافل بود از اینکه شهید نصرالله، ساختاری را پایه‌ریزی کرده است که متکی به فرد نیست، بلکه یک ساختار منسجم و با ثبات است که امروز نیز با قدرت، بازدارندگی خود را حفظ کرده است.

آنچه از شهید سید حسن نصرالله برجای مانده، یک نام و خاطره نیست؛ سرمایه‌ای انسانی و فکری است که در تجربه نسل‌های مقاومت، در ایمان مجاهدان و در اراده ملت‌هایی که عزت و آزادی را مطالبه می‌کنند، امتداد یافته است.

اینجانب ضمن گرامیداشت دومین سالگرد شهادت سید شهیدان مقاومت، سید حسن نصرالله، یاد و نام این مجاهد بزرگ را در کنار همه شهدای جبهه مقاومت به خصوص امام شهیدمان گرامی می‌دارم و از درگاه خداوند متعال، علو درجات و رضوان الهی را برای آن شهید عزیز و عزت، اقتدار و سربلندی را برای ملت شریف لبنان، رزمندگان مقاومت و همه ملت‌های آزاده و مقاوم مسالت دارم.

سپاه: سید مقاومت زنده است راهش در اوج شکوه و اقتدار ادامه دارد

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با گرامیداشت دومین سالگرد شهادت سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، راه سید مقاومت را جاودانه و خون پاک او را چشمه جوشان اقتدار در پیکره مقاومت و اعتلای عزت و سرافرازی حزب‌الله و مقاومت اسلامی لبنان دانست.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت فرا رسیدن دومین سالگرد شهادت سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان با صدور بیانیه‌ای خاطرنشان کرد: دو سال از آن روز خونین و جنایت دژخیمانه و تروریستی گذشت؛ روزی که دست جنایتکار رژیم اهریمنی صهیونیستی، سید مقاومت، پرچمدار آزادگی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله را از جبهه مقاومت اسلامی به ویژه حزب‌الله قهرمان لبنان گرفت، اما برخلاف تصور و نیت شیطانی دشمن، درخشش خون مطهر او نه تنها خاموش نشد، بلکه به چشمه‌ای جوشان از اقتدار و بالندگی در پیکره مقاومت تبدیل و جاودانه شد.

این بیانیه می‌افزاید: سید حسن نصرالله تنها یک رهبر نبود؛ او معمار راهبردی مقاومت نوین، استراتژیست میدان و دیپلماسی، و نماد عینی پیوند ناگسستنی ملت‌های مقاوم منطقه بود. او به تأسی از مولا و مقتدای خود شهید امام خامنه‌ای (قدس‌سره) مقاومت را از یک تاکتیک به یک منظومه فکری، هویتی و تمدنی ارتقا داد و ثابت کرد که مقاومت، نه یک واکنش، بلکه یک انتخاب راهبردی و یک سبک زندگی عزتمندانه و قدرت‌ساز است.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این بیانیه در ادامه با اشاره به اینکه سید شریف و سلحشور مقاومت در اوج شجاعت، صداقت، فصاحت و صلابت کم‌نظیر، سخنش کوه را می‌لرزاند و دل‌ها را روشن می‌کرد؛ آورده است: تأثیرگذاری شهید سید حسن نصرالله فرامنطقه‌ای بود؛ و شعاع آن از لبنان و فلسطین تا یمن، عراق، سوریه و فراتر از آن، به صدای وجدان بیدار امت اسلامی تبدیل شده بود.

این بیانیه تصریح کرده است: شهید نصرالله، معتقد بود که مقاومت یک جبهه واحد است و پیروزی در هر نقطه از این جبهه، پیروزی برای همه است.

این بیانیه می‌افزاید: بی‌تردید، دوران رهبری شهید والا مقام سید حسن نصرالله درخشان‌ترین و پرافتخارترین مقطع تاریخ لبنان عزیز و جایگاه ممتاز او در تاریخ معاصر منطقه، کم نظیر و ماندگار است، و نام او در منظومه فکری مقاومت، همواره به عنوان استراتژیست و نظریه‌پردازی شناخته خواهد شد که مقاومت را از حاشیه به متن آورد و به یک گفتمان مسلط در معادلات منطقه تبدیل کرد و تا هنگامه شهادت، معادله بازدارندگی برابر رژیم صهیونیستی را برقرار و افسانه شکست‌ناپذیری آن را برای همیشه فرو ریخت.

در ادامه بیانیه تاکید شده است: بی‌تردید، راه شهید سید حسن نصرالله توسط مقاومت اسلامی لبنان و رزمندگان حزب‌الله تحت رهبری جانشین صالح او حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ نعیم قاسم در اوج شکوه عزت و اقتدار تداوم خواهد یافت؛ کمااینکه مقاومت کم نظیر جنوب و رشادت‌ها و حماسه‌های تاریخ ساز در علی‌الطاهر روند مهاجرت معکوس را شدت بخشید و فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم صهیونیستی را نوید می‌دهد.

این بیانیه خاطرنشان کرده است: امروز، جبهه مقاومت در سراسر منطقه، به ویژه از هنگام وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه آمریکای تروریست و رژیم جعلی صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که نماد عزت، آزادگی و ایستادگی ضد سلطه و ضد اشغالگری است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان این بیانیه ضمن تجدید میثاق با امامین کبیر و شهید انقلاب و پاسداشت آرمان‌های بلند شهدای جبهه مقاومت به ویژه شهیدان «سید حسن نصرالله» و «سردار سرلشکر پاسدار عباس نیلفروشان»، تسلط، اشراف و مدیریت جبهه مقاومت به دست رزمندگان غیور اسلام بر تنگه راهبردی هرمز در میانه نبردهای تمدنی و وجودی امروز را از دستاوردهای ایمان و باور به نصرت الهی توصیف و تاکید کرده است: بار دیگر با صدای رسا و در اوج صلابت و اقتدار اعلام می‌داریم؛ حمایت از جبهه مقاومت، دفاع از حقوق مستضعفان و ایستادگی تا آزادی کامل قدس شریف، رسالت ابدی، ملی و انسانی سپاه مقتدر مردمی و انقلابی و سایر نیروهای مسلح کشور است و به فضل الهی تحت هدایت‌های فرماندهی معظم کل قوا حضرت آیت‌الله امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) و میدان‌داری شکوهمند و مقتدرانه ملت مبعوث شده ایران و وحدت ساحات، توطئه‌های شیطان بزرگ آمریکای تروریست و سگ هارش رژیم اشغالگر صهیونیستی و حامیانش هرگز به نتیجه نخواهد رسید. رزمندگان اسلام تاریخ آینده را رقم خواهند زد و تا پیروزی نهائی گامی پس نخواهند گذارد.